

به نام خداوند جان و خرد

بیانیه گروه برای آزادی

در محکومیت مطلب وزارت خارجه آمریکا در مورد فائزه هاشمی رفسنجانی



فائزه هاشمی رفسنجانی، دختر آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی است.

تیم دونفره اکبر هاشمی رفسنجانی و علی خامنه ای به عنوان مسئولین رده بالای حکومتی – و کسانی که ستونهای جمهوری اسلامی را بنا نهادند – در تمامی جنایات و اقدامات این حکومت بر ضد مردم و سرزمین ایران، نقش اصلی را داشته اند.

این دو همچنین به منظور هموار کردن فضای سیاسی ایران جهت تحقق اهدافشان و قبضه کامل قدرت، نقش موثری در ترور شخصیتهای سیاسی بعد از انقلاب داشتند.

این اتحاد و تقسیم قدرت دو نفره تا حوالی سال ۸۸ (هجری شمسی) ادامه داشت. در آنزمان رفسنجانی راه سیاسی خود را از خامنه ای جدا کرد. و خامنه ای نیز متمایل به احمدی نژاد و فرقه حجتیه شد.

در واقع انتخابات ۸۸ (ظهور جنبش سبز) نقطه عطفی بود، که در آن دوقطبی اصلاح طلبان و اصولگرایان (با گرایش رفسنجانی به اصلاح طلبان و جنبش سبز) در فضای سیاسی ایران جدی تر شد.

پس از آن هاشمی در فضای سیاسی جمهوری اسلامی به مرور به حاشیه رانده شد، تا اینکه بلاخره کوزه گر در کوزه فتاد. و رفسنجانی توسط یار قدیمی (علی خامنه ای) حذف فیزیکی شد.

به اصطلاح خود شورشیان ۵۷ ای:

انقلاب باز هم فرزندان خود را بلعید....

و امروز در سال ۱۴۰۳ - با گذشت بیش از ۴۴ سال از سیطره شورشیان ۵۷ و حکومت آخوندی بر ایران - کیست که نداند که خون ستارها، نویدها، مهساها، کیان ها و هزاران زن، مرد، کودک، پیر و جوان ایرانی بر گردن حکومتی ست که هاشمی رفسنجانی یکی از پایه گذاران و تثبیت کنندگان آن بود؟ کیست که نداند که موضع هاشمی در سالهای آخر عمرش تنها تغییر فرم ظاهری جمهوری اسلامی بود و نه محتوا و تغییر بنیادی و اساسی آن؟

از همان زمان افرادی پا به عرصه ی (به اصطلاح) اپوزوسیون جمهوری اسلامی گذاشتند که در اصطلاح رفرمیست (بخوانید شکل دیگری از اصلاح طلبان نظام) بودند. پدر معنوی اینها هاشمی بود و پس از آن فائزه دختر وی مسئولیت این تشکیلات را عهده دار شد.

فائزه هاشمی قبل از وقایع ۸۸ هیچ نقش مهمی در فضای سیاسی ایران نداشت. او تنها پس از حملات باند خامنه ای به پدرش، به نمایندگی از کل خانواده به بیان اظهاراتی در طرفداری از زحمات و اقدامات پدرش برای جمهوری اسلامی (بخوانید انواع و اقسام جنایات در حق ایران و ایرانی) پرداخت.

فائزه هاشمی پس از مرگ پدر مسئولیت او را که همان تقویت جبهه فرمیست ها (برای تغییر شکل ظاهری جمهوری اسلامی) بود را به عهده گرفت. سخنان انتقادی او خطاب به حکومت، احکام زندان خود او و خانواده اش (زندانیهای مدل آقازاده ها)، منابع مالی، و همچنین حمایت‌های رسانه‌ای، از امتیازات او برای این پیشبرد این تشکیلات بوده و هستند.

اما کیست که نداند فائزه هاشمی نیز به مانند پدرش ذره‌ی دل در گرو ایران و ایرانی ندارد؟ کیست که نداند او نیز به مانند تمام فرمیست ها و اصلاح طلبان، هدفشان تنها مدرنیزه کردن حکومت مرجع اسلامی است؟ (و نه سرنگونی)

فائزه هاشمی به مانند تمامی اصلاح طلبان نه دغدغه اش سکولاریسم است، نه تمامیت ارضی. آیا او تا به حال در مورد این موارد و نقش شریعت اسلام در دموکراسی مورد نظرش، مطلبی را بیان کرده است؟

کدام فرمیست را دیده‌اید که با قاطعیت مرزبندی خود را با مجاهدین مشخص کند؟

کدام فرمیست تا به حال با قاطعیت از سکولاریسم و تمامیت ارضی دفاع کرده است؟

کدام فرمیست از حق فراندوم برای تعیین نظام سیاسی توسط مردم (پس از سرنگونی جمهوری اسلامی) قاطعانه دفاع کرده است؟

کدام فرمیست این موارد را خط قرمز خود می‌داند؟ آیا اینها خواسته‌های اساسی مردم ایران نیستند؟ آیا هزاران جانباخته و شکنجه شده امثال ستارها، نیکاه‌ها، نویدها، مهساها برای اینها خون ندادند و بالای دار نرفتند؟

در مطلب وزارت خارجه آمریکا در مورد فائزه هاشمی، ذکر شده که او موافق حجاب اختیاری است.

آیا مردم ایران بعد از چهل و چند سال تحمل سرکوب و جنایت رژیم آخوندی، انقدر حقیر شده اند که سقف خواسته هایشان حجاب اختیاری باشد؟ که بر مبنای آن فائزه هاشمی به سمبل و نماد مبارزاتی آنان تبدیل شود؟

خیر..

حقیر شمایانی هستید که نمی خواهید بپذیرید که حجاب اختیاری تنها یکی از خواسته ها و کف خواسته های ایرانیان است. که البته هم اکنون نیز با شجاعت خودشان به این خواسته رسیده اند. حقیر شمایانی هستید که نمی خواهید بپذیرید که خواسته ی اصلی ایرانیان سرنگونی جمهوری اسلامی (به همراه تمامی دستهای پنهان و آشکار آن) می باشد. و پس از آن خواسته ی آنها استقرار یک حکومت با محتوای دموکراتیک (و نه فقط شکل دموکراتیک) است که با رای مستقیم آنها تعیین می شود. حکومتی که برقرار کننده سکولاریسم، تمامیت ارضی و دموکراسی یی باشد، که در لوای آن تمامی افراد جامعه از حقوق مسلم شهروندی، امنیت اقتصادی و اجتماعی منطبق بر جهان نوین امروز برخوردار شوند.

این خواسته ی به حق مردم ایران بعد از ۴۴ سال تحمل و ایستادگی در برابر این رژیم مرتجع و جنایتکار است.

مردمی که بر خلاف سال ۵۷، اسیر فریب رسانه ها، و جایزه های رنگارنگ سازمانهای گوناگون نخواهند شد.

مردمی که بر خلاف سال ۵۷، اکنون فرق دوست و دشمن، اپوزوسیون حقیقی و اپوزوسیون تقلبی، ایراندوست و دشمن ایران را می دانند.

آیا هزاران آزادیخواه جان باختند و هزاران آزادیخواه زندانی و شکنجه شدند، که پس از چهل و چهار سال یک خمینی دیگر برای مردم ایران بتراشند؟ یک خمینی مدرن شده، رنگ آمیزی شده و مثلا مطابق با شعار زن، زندگی، آزادی؟ آن زمان کارتر و اینبار مرید او بایدن؟

این جواب این مردم به شماست: "نه"

همانطور که سال ۹۶ در کف خیابان فریاد زدند: اصلاح طلب، اصولگرا...دیگه تمومه ماجرا...

مردمی که در برابر شما دشمنان ایران، از جوانانشان، از زجرهایشان، از عزیزانشان، از

امیدهایشان، از قلبهایشان در این ۴۴ سال...

دیواری ساخته اند به بلندای مام وطن...

به بلندای ایران...

ایران همیشه زنده است...

پاینده ایران و ایرانی

گروه برای آزادی

مارچ ۲۰۲۴ میلادی